

چالش مناسبات چین و آفریقا

رئیس‌جمهور چین برای پیشبرد استراتژی دراز مدت این کشور در سی‌ام ژانویه ۲۰۰۷، درست پس از اجلاس سران آفریقا- چین در پکن، یک سفره ۱۲ روزه به هشت کشور آفریقایی داشت. تحلیلگران این سفر را نشانگر افزایش روابط غول اقتصاد آسیا و منابع مواد اولیه غنی آفریقا ارزیابی کرده‌اند. آیا روند فعلی تلاش‌های چین بدون مانع پیش خواهد رفت؟

یابد که این رقم نشان دهنده روابط گسترده چین با این کشورها می‌باشد.

اما در این مسیر مشکلاتی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد سال‌های بی‌دردسر چین در قاره آفریقا رو به پایان بوده و چین دیگر نفوذ سنتی خود را در این منطقه نداشته و باید به دنبال راه‌حل‌های دیگری باشد. برای مثال در زامبیا یک کاندیدای اسبق ریاست جمهوری در سخنرانی خود شورش و کشتار معدن بزرگ مس در این کشور را که چینی‌ها در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند مد نظر قرار داد و اعلام کرد در صورت انتخاب شدن، دست سرمایه‌گذاران چینی را از این کشور کوتاه کند.

در نیجریه نیز گروگان گرفته شدن تعدادی از کارگران و مهندسان چینی که در شرکت نفت این کشور مشغول به فعالیت می‌باشند، توسط مخالفان، نشان داد که آنان نیز مورد هدف قرار می‌گیرند. علاوه بر آن آفریقای

چین که در دهه ۹۰ از کشورهای صادرکننده نفت بود، به یک‌باره به عنوان یک خریدار و سرمایه‌گذار بزرگ پا به عرصه این صنعت گذاشت باضافه چند سالی است که رهبران چین بدون هیچ دردسر و زحمت چندانی، طی یک روند و برنامه‌ای ثابت، از منابع غنی این قاره، بهره می‌برند. متقابلاً دولت‌های آفریقایی به دلیل فقر و مشکلات متعددی که بر سر راه آنها وجود دارد، از وام‌های کم‌بهره و سرمایه‌گذاری نجومی چین بهره می‌برند. علاوه بر آن، هر کدام می‌خواهند نسبت به کشورهای دیگر منطقه سهم بیشتری از این روند داشته باشند. به همین خاطر سهم چین از تجارت با کشورهای آفریقایی، نسبت به دیگر کشورهای جهان، به طور نجومی از حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۵۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ افزایش یافت. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۰ ارزش مبادلات تجاری به ۱۰۰ میلیارد دلار افزایش

جنوبی و زیمبابوه نیز شاهد اعتراض‌هایی علیه واردات لباس‌های ارزان و بنجول چین به این کشورها هستند. در همین رابطه رئیس‌جمهور چین در سفر به این کشورها با سوالات کنایه‌دار و غیرمعمول مواجه شد که نشان دهنده نارضایتی مردم منطقه از سیاست‌های چین در آفریقا می‌باشد.

البته آقای هو جین تائو (رئیس‌جمهور چین) به ظاهر هیچ چشم‌داشتی نسبت به این کشورها ندارد و این موضوع به ایشان کمک می‌کند تا مانع بروز هرگونه انتقاد علنی دولت‌های آفریقایی نسبت به نقش چین در این قاره شود تا چین به عنوان کشوری استعمارگرو طمعکار درآذهان مردم باقی نماند. ایشان پیش از آغاز سفر برای جلب اعتماد بیشتر این کشورها، خبر از اعطای وام کم‌بهره به ارزش ۳ میلیارد دلار و افزایش کمک به این قاره در سه سال آینده را داد.

علاوه بر این، وزیر بازرگانی چین اخیراً تأکید کرد که پرداخت این پول‌ها بدون قید و شرط سیاسی می‌باشد و افزود ما این مبلغ را فقط به عنوان کمک پرداخت خواهیم کرد. البته برخی از این اقدامات در آفریقا برای خوشنامی و محبوبیت آقای هو انجام می‌گیرد و رفتار آنها برخلاف سیاست‌های غرب است که صرفاً در راستای منافع اقتصادی عمل کرده و این کشورها را به لحاظ فساد و نقض حقوق بشر مورد انتقاد قرار می‌دهند.

از آنجایی که استثمار موضوع مورد تنفر کشورهای آفریقایی می‌باشد و خاطرات خوشی از آن ندارند، در این راستا چین تلاش کرده است تا کمک‌هایش بدون رنگ و بوی استعمار نو بوده و بتواند نفوذ گسترده‌تری در این قاره پهن‌آور داشته باشد. البته هنوز روابط چین با سودان شفاف‌سازی نشده است، زیرا قراردادی که در سال ۲۰۰۶ پس از دو روز گفتگو بین رهبران دو کشور صورت گرفت،

چیزی در حد علاقمندی این کشور به مناطق توریستی خارطوم بود که با واقعیت فاصله زیادی دارد و این نمی‌تواند همه توافقاتی انجام گرفته باشد. چین مقدار زیادی از نفت مورد نیاز خود، در حدود ۵ درصد از کل وارداتش را از سودان که از بزرگترین کشورهای قاره آفریقا است، دریافت می‌کند و متقابلاً آن را با پروژه‌های راه‌سازی و مواردی از این قبیل جبران می‌کند. برای مثال از ژانویه تا نوامبر ۲۰۰۶، سودان در حدود ۳ درصد از صادرات مواد خام به چین را برعهده داشته است. چین در زمینه صنعت نفت و زیرساخت‌های نفتی سودان نیز سرمایه‌گذاری کلانی انجام داده است. آقای "هو" در ادامه سفرش تنها چند ساعت در کشور لیبی اقامت داشت و این نشان دهنده درجه اهمیت کشورها برای چین می‌باشد. برخلاف کشورهای قدرتمند جهان همچون آمریکا که نتوانسته است رابطه خوبی با کشورهای آفریقایی برقرار کند، به نظر می‌رسد چین این مشکل را برطرف کرده است.

این کشور بدنبال تنوع و روابط بیشتر بوده و در این راستا تلاش می‌کند تا با کشورهای روسیه، آسیای مرکزی، آفریقا و آمریکای لاتین نیز تعامل بیشتری داشته باشد.

تحلیل: چین دریافته است که کشورهای همچون زامبیا و آفریقای جنوبی برای تجارت در این قاره وجود دارند که بتواند به راحتی از منابع طبیعی آنها نهایت استفاده را ببرد. این کشور تلاش می‌کند که در فضای چند قطبی شدن جهان پس از پایان دوران جنگ سرد موقعیت خود را مستحکم‌تر کند، به همین دلیل برنامه‌هایی را در نظر دارد که یکی از آنها افزایش حجم مناسبات تجاری خود با قاره آفریقا است و این کار را از طریق اعطای کمک‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی، عقد موافقتنامه‌های تجارت آزاد،

همکاری‌های فنی، تربیت نیروی انسانی و بخشش بدهی کشورهای فقیر این قاره انجام می‌دهد. از آن طرف نیز افزایش قیمت کالاهای کشاورزی و مواد اولیه صادراتی، قدرت خرید این کشورها را بیشتر کرده و تمایل آنها را برای تبادلات بیشتر با چین افزوده است. البته به نظر می‌رسد این سرمایه‌گذاری‌ها بنا به بهره‌برداری که می‌شود از این کشورها برد، در نظر گرفته شده است، برای مثال سفر دوره‌ای آقای هو به لیبی که

تنها به چند ساعت بسنده کرده است بیانگر این موضوع می‌باشد.

به زبان ساده می‌توان گفت که استراتژی چین در آفریقا، دسترسی به انرژی و مواد خام با استفاده از سرمایه‌گذاری، تجارت و دیپلماسی می‌باشد.

مجید یعقوبی

مرکز مطالعات آفریقا

منبع مورد بهره‌برداری سایت Economist و مجله ALL AFRICA است.